

## تناقض در اجرای سیاست خصوصی سازی

نویسنده: سید ابوالفضل میرقاسمی

اقتباس از تارنمای فصلنامه اینترنتی ارغنون هامون با اندکی تلخیص

سید ابوالفضل میرقاسمی رئیس هیئت مدیره کانون نکرا و کارشناس حوزه توسعه محلی و منابع طبیعی معتقد است اجرای ظاهری رویکرد اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد خصوصی سازی شرکت‌های دولتی و حکومتی، در نتیجه سوء مدیریت، اعمال نفوذ و واگذاری شرکت‌ها به افراد خاص به شکل گیری شرکت‌های خصوصی منجر شد که خود نوعی تناقض در اجرای سیاست خصوصی سازی محسوب می‌گردد.

وی در مطلبی تحت عنوان "بخش خصوصی را دریابیم!" که در ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۳ در تارنمای فصلنامه اینترنتی ارغنون هامون منتشر شد می‌نویسد ملاحظات سیاسی، ضعف دیپلماسی، غلبه اقتصاد رانتی، اعمال تحریم‌های سیاسی و اقتصادی بین‌المللی، تورم و بی‌ثباتی نرخ ارز (کاهش تدریجی ارزش پول ملی) سبب شد که حتی بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری هم به بنگاهداری روی آورند و رقیب بخش خصوصی شوند.

به نظر وی بر اساس تجربیات جهانی، دولت‌ها هر قدر هم که توانمند و کارآمد باشند به تنهایی نمی‌توانند اوضاع اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی یک کشور را سامان دهند. پیشرفت و شکوفایی هر کشور نیازمند همکاری و مشارکت فعال و موثر دوبازیگر کلیدی مهم دیگر، یعنی بخش خصوصی (بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی و غیرحاکمیتی) و همچنین نهادهای مدنی شامل تشکل‌های مردم نهاد، موسسات خیریه و انجمن‌ها و اتحادیه‌ها و نظایر آن‌ها است. این موسسات نیز در پی دستیابی به خیر و منفعت عمومی‌اند.

از شش دهه پیش، افزایش بهای نفت و افزایش منابع دولتی و غلبه اقتصاد رانتی در نظام برنامه‌ریزی کشور و تلاش اکثر مسئولان برای جبران عقب ماندگی کشور از بُعد توسعه فیزیکی و زیرساختی سبب شد که طراحی و اجرای پروژه‌های عمرانی نظیر سدسازی، راهسازی، ساخت تونل، احداث نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها و شهرک‌های مسکونی و یا صنعتی در دستور کار دولت‌های توسعه خواه قرار گیرد. اگرچه این سیاست موجب رشد نسبی بخش خصوصی در حوزه ارائه خدمات فنی-مهندسی (شرکت‌های مهندسی مشاور) و توسعه شرکت‌های پیمانکاری شد، اما موجب غفلت از سایر ابعاد توسعه (توسعه انسانی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نهادی، محیط زیستی و...) گردید و بروز بحران‌های محیط زیستی فعلی، در واقع از تبعات منفی توسعه شتابزده و غیرمتوازن است... میرقاسمی در ادامه می‌افزاید:

بر اساس برآوردها و گزارش‌های موجود، ۷۰ تا ۸۰ درصد اقتصاد کشور در دست نهادهای دولتی و حکومتی است، لذا بخش خصوصی اجازه رشد و گسترش چندانی را نداشته است و نتوانسته در فرآیند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، سیاستگذاری و نظام برنامه‌ریزی کشور نقش آفرینی موثری داشته باشد. دولت هم به بهانه روی زمین ماندن بعضی کارها، سعی نموده در همه حوزه‌ها دخالت نموده و شرکت‌های دولتی جدیدی تاسیس کند که سبب تنگ‌تر شدن فضای رشد بخش خصوصی شده است.

به اعتقاد این فعال توسعه، اعمال نفوذ برخی مسئولان محلی در زمینه استفاده از ظرفیت مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها (CSR) برای تامین نیازهای غیرمتعارف خودشان نیز یکی از چالش‌های توسعه صنعتی است. ممکن است فعالیت‌های یک بنگاه اقتصادی (نظیر کارگاه استخراج معدن، کارخانه، پالایشگاه نفت، نیروگاه، بندر تخلیه بار و یا فرودگاه و...) سبب ایجاد مزاحمت و بروز نارضایتی برای اعضای جامعه محلی و یا به خطر افتادن سلامت ساکنان مناطق شود؛ از این روی بنگاه‌های اقتصادی برای برندسازی (خوشنام شدن بنگاه) و کمک به جامعه محلی مستقر در اطراف آن بنگاه، معمولاً اقدامات عام‌المنفعه‌ای در چارچوب فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی انجام می‌دهند. در چنین موقعیت‌هایی هستند مسئولان محلی که می‌خواهند هزینه‌هایی خلاف قوانین و مقررات موجود و اقدامات کنترلی دستگاه‌های بازرسی و نظارتی به بنگاه‌های خصوصی مستقر در شهرستان‌ها تحمیل نمایند؛ هزینه‌هایی که شاید در راستای نیاز ساکنان آن مناطق نبوده و در مجموع به نفع بخش خصوصی نیست و در واقع نوعی فرصت‌سوزی برای بخش خصوصی به شمار می‌روند.

میرقاسمی در ادامه یادداشت خود به تمایلات بخش‌هایی از دستگاه‌های حاکمیتی به استفاده از ظرفیت مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها برای تامین مالی طرح‌های مرتبط با کمک به مناطق کم‌تر برخوردار (در قالب طرح‌های محرومیت‌زدایی و فقرزدایی) اشاره می‌کند و این تمایلات را مورد رضایت بنگاه‌ها نمی‌داند و حتی بر این نظر است که نمی‌توان انتظار داشت این قبیل اقدامات تکلیفی، برکت و اثربخشی مناسبی داشته باشند. وی نتیجه می‌گیرد که بخش خصوصی گرفتار در این مسئله برای جبران ضرر و زیان، یا می‌بایست از کمیت و کیفیت محصولات تولیدی خود بکاهد و یا آن‌که بهای تولیدات خود را افزایش دهد که در هر دو صورت، مردم و مصرف‌کنندگان آن کالا یا خدمات متضرر خواهند شد.

میرقاسمی ضمن تمجید از تعیین شعار سال در سنوات اخیر به موضوع تولید و اقتصاد به توجه مجلس به بهبود محیط کسب و کار و رفع موانع تولید با تصویب و ابلاغ قوانین متعدد اشاره می‌کند و در باب عدم پیاده‌سازی و اجرای این قوانین می‌پرسد؛ در همان حال که خود تضاد منافع و اعمال نفوذ را در این زمینه به عنوان دلیلی بر عدم پیاده‌سازی و اجرای قوانین بهبود محیط کسب و کار و رفع موانع تولید می‌داند.

وی در خاتمه ابراز امیدواری می‌کند دولت چهاردهم به بخش خصوصی اعتماد کند، بیش از پیش، بستر مناسب برای رشد بخش خصوصی را فراهم کند، سیاست خصوصی سازی (اصل ۴۴ قانون اساسی) را به درستی اجرا کند و با رعایت اصول شفافیت و حکمروایی شایسته، تکلیف شرکت‌های خصولتی، دولتی و حاکمیتی را مشخص کند. بر این اساس دولت باید با طراحی سازوکار نظارتی و کنترلی چند لایه و پیاده سازی دولت الکترونیک، مانع فرار مالیاتی بعضی از شرکت‌ها شده تا بخشی از کسری بودجه دولت تامین گردد.